

ابط انسانی



این بود که بشر عاری از خطا نیست و انسانها همیشه و به هر دلیلی ممکن است که خطا کنند و یا حرف اشتباهی بزنند. گاهی به موقع و گاهی دیر متوجه اشتباهشان و دردسری که برای خودشان و دیگری ایجاد کرده‌اند می‌شوند و در این مواقع اگر که نمی‌شود جلوی بحران، حادثه و درد را گرفت بهتر است دیگر به حواشی دامن نزد و مدیریتش کرد تا آدمهای بیشتری متضرر نشوند و آسیب نبینند آن هم وقتی که آدم‌های خطاکار به اشتباهشان پی برده‌اند و شرمنده عمل‌شان هستند. گاهی با سکوت کردن، به روی فرد نیاوردن و یا یک نگاه عاقل‌اندر سفیه می‌توان افراد را بیشتر شرم‌منده و متوجه کرد و در ذهنشان بیشتر این مسئله را نهادینه کرد که تصمیمات اشتباه چقدر می‌توانند خسارت بار باشند و اعمال بدون خرد چقدر می‌توانند دیگران را آزار بدهند. این مسئله هم در خانواده‌ها و هم در اجتماع دیده می‌شود و گاهی هم از مسئولان ما چنین اعمالی سر می‌زند و یک وقت‌هایی مثل اتفاقات فیلم ما صلاح در سکوت کردن است و گاهی هم صلاح در نوع دیگری ایستادگی جلو آن اتفاق است که خسارت بیشتری به فرد یا افرادی زده نشود. ولی من صرفاً این اکت را برای جبران اکت نابخردانه‌ای که صابر در چند سکانس قبل انجام داده انتخاب نکردم بلکه مسئله را وسیع‌تر و بیشتر یک مسئله بشری دیدم تا فعل و انفعال شخصی یک فرد با خودش که چون در لحظه دیگری حرکت اشتباهی انجام داده‌ام اینجا بهتر است که سکوت کنم.

گیلدا حمیدی:

**واقعی بودن کاراکتر آزاده را خیلی دوست داشتم
پروسه کار روی نقش با توجه به شرایط کار برای شما
چطور بود؟**

طبیعتاً در شرایط استاندارد و نرمال بازیگر راحت‌تر کارش را انجام می‌دهد ولی بخاطر اینکه ما هم با بحران کرونا روبرو بودیم و هم تنگی وقت را به خاطر شرایط زمانی پروژه داشتیم این پروسه برای من بازیگر پیچیده و سخت‌تر می‌شد. ما چندین جلسه دورخوانی و تمرین دورهمی در تهران را با رعایت تمام پروتکل‌های بهداشتی گذراندیم و باقی پروسه را باید شبانه روز در ذهن خود جا می‌انداختم که باید چه کنیم و چگونه به نقش نزدیک شوم. بسیاری از سکانس‌ها به صورت سکانس پلان گرفته می‌شد یعنی یک سکانس را به صورت کامل همه با هم بازی می‌کردیم و جداگانه کار نمی‌شد و در این مسیر همه عوامل با هم همراهی می‌کردند بنابراین همراهی همکارانم و خود کارگردان شهاب حسین‌پور خیلی کمک می‌کرد به اینکه در آن شرایط سخت حداقل از این بعد مشکلی نداشته باشیم.

**کاراکتر آزاده نمادی از قشری است که تصمیم به رفتن
دارند ولی همچنان دلشان از سویی در گرو ایران است. کمی
در مورد این کاراکتر برایمان بگویید.**

فکر می‌کنم در این فیلم از همه دغدغه‌ها صحبت می‌شود و به همه مسائلی که در هر کجای دنیا ممکن است افراد با آن درگیر باشند پرداخته می‌شود. مثلاً مسئله مهاجرت از کشور، وقتی که آنقدر زحمت کشیده‌ای، ریشه و خانواده داری اما باید بروی. در لحظاتی می‌بینیم که آزاده با مادرش صحبت می‌کند و یا نگران این است که پدرش شیرینی نخورد و قند و فشارش بالا نرود و در عین حال می‌خواهد هر جور شده از ایران برود و این شرایط تلخی است که در این فیلم نشان داده می‌شود که اساساً چرا باید چنین اتفاقی بیافتد. زمانی که برای اولین بار این کاراکتر را خواندم به نظرم آمد که نماینده یکسری از افرادی است که در عین حال که دغدغه‌مند هستند اما کمی هم راحت‌تر به مسائل نزدیک می‌شوند. من تلاش کردم این کاراکتر را بیشتر بیرونی در نظر بگیرم تا عمیق و فلسفی ولی در عین حال آزاده یک کاراکتر سطحی هم نیست و آدم‌هایی که من در آزاده دیدم در نقطه‌ای بین این دو فضا هستند. سعی کردم صیقلی به نقش بدهم تا دوگانگی که در رفتار و شخصیت اوست را نشان دهم. من تلاش کردم آزاده نه سفید باشد و نه سیاه مثلاً در لحظه‌ای آزاده با اطرافیانش بسیار گرم و صمیمی است ولی چند لحظه بعد به همسرش می‌گوید حالا چه کاری بود ما این وسط بیایم شمال و این به من نشانه‌هایی می‌داد که کاراکتر را دچار یک درد وطن عمیق نبینم. نکته‌ای که در آزاده مرا بیشتر جلب کرد این بود که می‌توانستم نمود بیرونی آن را به خوبی ببینم و این واقعی بودن کاراکتر آزاده را خیلی دوست داشتم. به طور کلی می‌توان افرادی به این شکل را در جامعه دید و کاراکتر آزاده جوری نوشته شده بود که من می‌توانستم امان‌هایی به او اضافه کرده و او را واقعی‌تر کنم.

تصمیم من از ابتدا همین بود که از هنرپیشه‌های تئاتر استفاده کنم و از بازیگرانی دعوت به کار کنم که رابطه‌ای صمیمی با آنها دارم و بتوانم با آنها تمرین کنم. برای نقش‌هایی مثل دل‌سا و پرپسا هم از میان کسانی که به دعوت ما آمده بودند با انجام تست‌هایی بازیگرانم را انتخاب کردم. همراه بودن بازیگران و اینکه مثل من دغدغه‌مند باشند و تلاش کنند تا در این تأییم کم و شرایط سخت بتوانیم این اثر را تولید کنیم برایم اولویت داشت. هنرپیشه‌های این کار همگی همدل بودند و بدون هیچ چشمداشت مالی آمدند و همکاری کردند و امیدوارم برای مخاطب نیز نتیجه کار و هنر این دوستان در اکران آنلاین فیلم که به زودی اتفاق خواهد افتاد همانند اکران عمومی و پرده سینما جذاب باشد.

**کاراکتری که میثم درویشان‌پور بازی می‌کند در انتهای
فیلم باید یک انتخاب سرنوشته ساز انجام دهد. آیا این
انتخاب تحت تأثیر صحنه گم شدن دلار هاست؟**

میثم درویشان‌پور اولین تجربه بازیگری‌اش در عرصه سینما را با من تجربه کرد. او واقعا همه چیز را تعطیل کرد بخصوص استندآپ کمدی را و تمام تمرکزش را روی این نقش گذاشت و به نظر من در این فیلم بسیار موفق بود. در مورد سکانسی که باید آن انتخاب سخت را انجام می‌داد هم خب در ابتدا این سکانس در فیلمنامه ما نبود و یکی دور روز قبل از فیلمبرداری ما با آقای دادویی و آقای یاراحمدی به این نتیجه رسیدیم که این بخش به فیلمنامه اضافه شود. به نظر من هر کسی می‌تواند برداشت خودش را از آنچه که در واقع نقش صابر انجام داد، داشته باشد ولی رویکرد خودم بیشتر

همینطور از آقای دادویی عزیز که علاوه بر نگارش فیلمنامه به عنوان تهیه‌کننده اثر بسیار کوشیدند. اما کمبود منابع مالی و به تبعیت آن کمبود زمان چه برای نگارش فیلمنامه و چه زمان برای فیلمبرداری مرا دچار چالش کرد. من دوست داشتم زمان بیشتری را با نویسنده‌های کار بر سر فیلمنامه بگذارم تا اشراف بیشتری به سکانس‌ها پیدا کنم و این برایم چالش‌هایی بوجود آورد و طبیعتاً باید روزهای فیلمبرداری بیشتری در اختیار می‌داختم و با چالش‌های سختی در این زمینه روبرو بودم اما کمک‌های گروه کارگردانی و مشاورانی که داشتم باعث شد بتوانم از این چالش‌ها گذر کنم. سعی کردم در بازیگردانی کاملاً فارغ از تکنیک، بازیگران را به شکل غریزی به آن لحظات نزدیک کنم و از حافله احساسی‌شان کمک بگیرم تا به بازی‌های رئالیستی که مدنظر بود در تمریناتی تئاترگونه برسیم. ما چندین روز تمام سکانس‌ها و پلان‌ها را مو به مو تمرین می‌کردیم تا بتوانیم وقتی به لوکیشن فیلمبرداری در شهر نوشهر می‌رویم در تأییم کم فیلمبرداری را انجام دهیم. تقریباً در طول روز چهارده ساعت سر ضبط فیلم بودیم خب خستگی و فرسایشی شدن خیلی به ما لطمه می‌زد و چاره‌ای جز یک مدیریت دقیق و تلاش برای اینکه آرامش گروه حفظ شود نداشتیم و در نهایت همین همدلی، صمیمیت، دوستی و همراهی همه اعضای گروه باعث شد تا ما بتوانیم از این چالش سر بلند بیرون بیاییم و این تجربه برای من یک افتخار و یک رزومه مهم است که شاید در سخت‌ترین شرایطی که یک فیلمساز کار اولی دارد توانستم اولین فیلم بلندم را بسازم.

انتخاب بازیگران در این فیلم چگونه انجام شد؟